

از زمان آغاز دوره ریاست جمهوری مسعود پزشکیان، موضوع حجاب و سیاست‌های مرتبط با آن یکی از محورهای مورد توجه رسانه‌ها و جامعه بوده است.

وعده‌هایی که در دوران انتخابات مطرح شد، مخالفت با گشت ارشاد و تأکید بر عدم آزار مردم، تصویری از رویکرد متفاوت دولت در این حوزه ارائه داد. حالا با گذشت چند ماه، این سیاست‌ها نشان داده‌اند که می‌توان بدون برخورد سلبی، گشایش اجتماعی ایجاد کرد و خواست جامعه را لحاظ نمود.

#### ◀ پرهیز از فشار بر مردم

از اولین روزهای حضور پزشکیان در مسند ریاست جمهوری، مشخص شد که او قصد ندارد سیاست‌های سابق و سختگیرانه در زمینه حجاب را پیگیری کند. در اولین مصاحبه با رسانه‌ها، تأکید کرد که قرار نیست دیگر مردم را اذیت کنند و روشن ساخت که دولت با اجرای قانون جنجالی حجاب به شکل سختگیرانه مخالف است.

این تصمیم البته با مصوبه شورای عالی امنیت ملی نیز همسو بود و دولت حتی با وجود حملات مکرر طیف‌های تندرو و اصرار مجلس در این مسیر ایستادگی کرد. البته محمدعلی ابطحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در گفت‌وگو با رویداد ۲۴ تأکید کرده است که «اگر آقای پزشکیان قانون حجاب را اجرا نکند، به معنای موافقت با بی‌حجابی نبوده، بلکه هدف جلوگیری از نتیجه عکس و وخیم‌تر شدن وضعیت بوده است».

#### ◀ گشایش اجتماعی

به هر حال رویکرد واقع‌بینانه دولت موجب شده که شاهد تغییرات ملموس در فضای اجتماعی باشیم. کنسرت‌ها و برنامه‌های فرهنگی، با آزادی بیشتری برگزار می‌شوند و حاشیه‌سازی‌های رادیکال درباره وضعیت حجاب در خیابان‌ها کاهش یافته است.

کارشناسان معتقدند این گشایش‌ها هم متاثر از سیاست‌های دولت و هم متاثر از شرایط خاص کشور در مواجهه با مشکلات گسترده بین‌المللی و اقتصادی است.

#### ◀ کوچک‌سازی دولت

یکی از مهم‌ترین تصمیمات دولت در حوزه حجاب، جلوگیری از ایجاد نهاد جدید «بنیاد ملی سبک پوشش اسلامی-ایرانی» بود. این بنیاد قرار بود بر اساس سند ملی سبک پوشش اسلامی-ایرانی، فعالیت کند، اما دولت با ابلاغ مصوبه جدید، از اضافه شدن این نهاد جلوگیری کرد.

به گفته کارشناسان، این تصمیم در راستای راهبرد کوچک‌سازی دولت و جلوگیری از شکل‌گیری دیوان سالاری اضافی و هزینه‌زا اتخاذ شد.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنان مسئولیت سیاست‌گذاری و ساماندهی مد و لباس را بر عهده دارد و ظرفیت اجرایی لازم برای تحقق اهداف سند ملی به این وزارتخانه بازگردانده شده است.

روزنامه ایران نیز نوشت: «دولت این کوچک‌سازی را ابتدا از خود و وزارت جهاد کشاورزی آغاز کرد و نشان داد که پیشگامی در اجرای قانون و اصلاح نظام اداری، انتظار طبیعی از دولت در دیگر حوزه‌ها نیز هست».

#### ◀ تعامل و تقویت انسجام

به نظر می‌رسد که رویکرد دولت پزشکیان در حوزه حجاب می‌تواند به اعتمادسازی اجتماعی و کاهش تنش‌های فرهنگی کمک کند.

اجرای قانون به شکل اقتدارگرایانه، بارها موجب واکنش منفی جامعه و تشدید شکاف‌ها شده بود؛ اکنون با سیاست واقع بینانه و پرهیز از فشار مستقیم، امکان گشایش اجتماعی و افزایش همگرایی فرهنگی فراهم شده است. دولت با توجه به خواست جامعه، ایجاد فضای باز و گسترش آزادی‌های نسبی در حوزه فرهنگی و اجتماعی، مسیر معقول و پایداری را انتخاب کرده است.

این رویکرد، ضمن حفظ چارچوب قانونی و اخلاقی، راه‌را برای توسعه فرهنگی و اجتماعی بدون تنش‌های اضافی هموار می‌کند.

دولت مسعود پزشکیان، با تصمیم‌های واقع بینانه و استراتژیک، نه تنها در مقابل فشارهای تندروها در حوزه حجاب کوتاه نیامده، بلکه با ایجاد گشایش‌های اجتماعی، اعتماد عمومی و فضای آرام‌تر به خواست جامعه، ایجاد فضای باز و گسترش آزادی‌های نسبی در حوزه فرهنگی و اجتماعی، مسیر معقول و پایداری را انتخاب کرده است.

جلوگیری از ایجاد نهاد‌های اضافی، حفظ تمرکز بر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رعایت خواست جامعه، تصویری از حکمرانی مقتدر و متوازن ارائه می‌دهد که هم با اصول کوچک‌سازی دولت همسو است و هم پاسخگوی مطالبات واقعی مردم خواهد بود.

امیر دبیری مهر در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## ایرانیان خارج‌نشین برای بازگشت اطمینان می‌خواهند

بسیاری از مهاجران ایرانی قصد بازگشت ندارند

ایرانیان برای بازگشت به شرایط جامعه می‌نگرند نه شعارهای مسئولان



بسیاری موارد تک‌بعدی و ابزاری بوده است. گاه تأکید بیش از حد بر سرمایه‌های مالی ایرانیان خارج از کشور، موجب نارضایتی آنان شده، زیرا چنین رویکردی تلاش‌هایشان را صرفاً در قالب منابع اقتصادی تقلیل می‌دهد. در حالی که تجربه جهانی نشان می‌دهد بازگشت مهاجران و همکاری آنان با وطن، نیازمند بسترسازی همه‌جانبه در عرصه‌های حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. نبود امنیت اقتصادی پایدار، محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی و بی‌اعتمادی نسبت به وعده‌های مقامات، از جمله موانع اصلی بازگشت بوده است. روند تلاش‌ها برای بازگشت این گروه مهم جمعیتی تنها زمانی موفق خواهد بود که بر پایه تغییرات واقعی و اعتمادسازی عملی استوار شود. نه صرفاً بر شعارها و وعده‌های مقطعی که از سوی دولتی‌ها مطرح می‌شود. در این مورد با امیر دبیری مهر، استاد علوم سیاسی و رئیس گروه پژوهشی اندیشه و قلم در مورد موانع بازگشت ایرانی‌های خارج‌نشین مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم. او بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ مسئولیت دبیری شورای ایرانیان خارج از کشور در سازمان صداوسیما را بر عهده داشت. علاوه بر این، پروژه‌ای ملی نیز برای شورای عالی انقلاب فرهنگی در همین موضوع انجام داده است و مقالات و نوشته‌های متعددی در این حوزه دارد. این جامعه‌شناس سیاسی معتقد است اگر شرایط داخل برای بازگشت ایرانی‌ها آماده شود آنها پیش از مسئولان متوجه خواهند شد و به میهن باز خواهند گشت. در ادامه این مصاحبه را می‌خوانید.

فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را در برگیرد.

◀ در این مورد بفرمایید که آیا خارج‌نشین‌ها همچنان امید به بازگشت دارند؟

نگته کلیدی اتفاق‌ها همین جا است که ایرانیان خارج از کشور پیوندهای ذهنی خود با ایران را هیچ‌گاه قطع نمی‌کنند. بر اساس بررسی‌ای نزدیکی که انجام می‌دهم آنان تحولات داخلی و خارجی ایران را به‌طور روزانه پیگیری می‌کنند، در شبکه‌های اجتماعی فارسی حضور دارند و همچنان تعلق خاطر فرهنگی و عاطفی به ایران دارند. این سرمایه بسیار ارزشمندی است. با این وجود، تصمیمات آنان برای بازگشت یا سرمایه‌گذاری در ایران نه بر اساس سخنان مقامات بلکه مبتنی بر واقعیت‌های ملموس داخل کشور اتخاذ می‌شود. به بیان دیگر، آنان با دقت می‌سنجند که آیا امنیت اقتصادی برقرار است، قوانین شفاف‌اند و فضای اجتماعی بازتر شده یا خیر. به همین دلیل، هرگاه اتفاقی واقعی و عملی رخ دهد، آنان نخستین کسانی هستند که پیام آن را دریافت می‌کنند. اگر مثلاً بازگشت یک هنرمند، کارآفرین یا دانشمند بدون مشکل صورت گیرد، سایرین نیز ترغیب می‌شوند. برعکس، اگر وعده‌ها فقط در حد سخن بماند، هیچ اطمینانی ایجاد نمی‌شود.

◀ با توجه به حضور شما در دبیری شورای ایرانیان خارج از کشور آیا در سازمان صداوسیما تلاشی برای بازگشت چهره‌های معروف را مشاهده کرده‌اید؟

بله تلاش‌های صورت گرفت و نمونه‌ای تاریخی در این زمینه وجود دارد. در اوایل دهه ۱۳۸۰ و اوایل دولت آقای خاتمی، پیشنهاد شد که برخی از خوانندگان ایرانی خارج از کشور که حواشی سیاسی چندانی نداشتند مانند آقای معین و سیاوش قمیشی برای اجرای کنسرت در جزیره کیش دعوت شوند. حتی بحث شد که فهرست آثار اجرایی آنان مشخص گردد تا جنبه ملی و فرهنگی داشته باشد. این طرح می‌توانست در بهبود نشاط ملی و همچنین ارسال پیام مثبت به جامعه مهاجر ایرانی بسیار موثر باشد. با این حال، برخی با تنگ‌نظری و کارشنکی مانع تحقق آن شدند. نتیجه این شد که جامعه ایرانی خارج از کشور، به جای مشاهده گشایش واقعی، باز هم شاهد محدودیت و ممانعت بود. آنچه ایرانیان خارج از کشور برای بازگشت، سرمایه‌گذاری یا همکاری ترغیب می‌کند نه شعارها و دعوت‌های مقامات، بلکه مشاهده عینی گشایش‌ها و تغییرات واقعی در داخل کشور است و اینکه برای بازگشت از همه مهمتر به اطمینان نیاز دارند.

مسئله این است که ایرانیان خارج از کشور برای اعتماد کردن به وضع داخل و تحولات داخل ایران می‌نگرند نه به شعار و وعده‌های مسئولان؛ بررسی زندگی این جمعیت خارج از کشور یک واقعیت تلخ و شیرین است

حتی علیه منافع ملی اقدام می‌کنند یا حداقل در جهت منافع کشور کاری انجام نمی‌دهند. در این مورد واقعیت تلخ دیگری هم وجود دارد و آن اینکه حدود ۲۰ درصد از ایرانیان مقیم خارج یعنی نزدیک دو میلیون نفر به‌تدریج زبان فارسی را فراموش کرده و این امر موجب قطع پیوندهای هویتی و فرهنگی آنان با ایران خواهد شد و این شکاف رو به افزایش است. ضعف مدارس ایرانی خارج از کشور و نبود سازوکار دقیق آموزش زبان فارسی از دلایل اصلی این وضعیت است. اما در کنار این واقعیت‌های تلخ، واقعیت‌های شیرینی هم وجود دارد. ایرانیان خارج از کشور عموماً جزو اقلیت‌های موفق و اثرگذار در جوامع میزبان هستند؛ از نظر مالی اغلب در طبقه متوسط به بالا قرار دارند، بسیاری از آنان در دانشگاه‌های معتبر تحصیل کرده‌اند، به‌عنوان استاد، پژوهشگر و متخصص شناخته شده‌اند و در محیط‌های علمی و اقتصادی می‌درخشند. این ها جنبه‌های مثبت و امیدبخش ماجراست. با این حال، دولت‌های ایران هیچ‌گاه با مسئله ایرانیان خارج از کشور به‌عنوان یک بسته جامع برخورد نکرده و در مقاطعی صرفاً بر ثروت ایرانیان خارج‌نشین تأکید شده. اما چنین نگاهی از دید آنان نه تنها مشوق نیست بلکه بی‌احترامی تلقی می‌شود. نگاه صرفاً اقتصادی و ابزاری باید کنار گذاشته شود و رویکردی فراگیر اتخاذ گردد که جنبه‌های حقوقی، قضایی،

دولت‌های مختلف با مسئله ایرانیان خارج از کشور به عنوان یک بسته جامع برخورد نکرده و صرفاً بر ثروت ایرانیان خارج‌نشین تأکید شده، اما چنین نگاهی نه تنها مشوق نیست بلکه نوعی بی‌احترامی تلقی می‌شود

عبدالرضا فرجی راد:

## امکان گفت‌وگو میان ایران و آمریکا وجود دارد

اینکه فعال نشدن کارشناسان آژانس نگرانی‌هایی را برای آمریکا و به‌ویژه برای اروپا به وجود خواهد آورد، تصریح کرد: همین نگرانی خود باعث خواهد شد که دیپلماسی فعال شود و طرف‌ها تلاش کنند تا به نقطه‌ای نرسند که تنش بزرگی ایجاد گردد. لذا احتمال دیپلماسی، گفت‌وگو و حتی مذاکره بین ایران و آمریکا وجود دارد. به‌ویژه اینکه اخیراً اعلام شده که آقای عراقچی احتمالاً در نیویورک مذاکراتی با ویتکاف خواهد داشت و ایران هم طرحی را به آمریکایی‌ها ارائه کرده که نتیجه آن به پاسخ آمریکایی‌ها بستگی خواهد داشت. فرجی‌راد درباره اظهارات اخیر مارک رابینو وزیر امور خارجه آمریکا مبنی بر مذاکره برای مسائل موشکی ایران نقش این درخواست در مذاکرات آتی تهران و واشنگتن، عنوان کرد: آمریکایی‌ها تا پیش از جنگ ۱۲ روزه مسائل موشکی را مطرح نمی‌کردند و بیشتر اروپایی‌ها، به‌ویژه فرانسوی‌ها، حساسیت داشتند. این مسئله پس از جنگ موشکی، نخستین بار توسط نائیانو مطرح شد که نباید برد موشک‌های ایران بیش از چهارصد و پنجاه کیلومتر باشد. آقای رابینو هم به‌طور

کامل با اسرائیلی‌ها هماهنگ است و به‌تازگی اعلام کرده که ایران نباید موشک‌های کوتاه‌برد داشته باشد. وی اضافه کرد: اینکه اظهارات آقای رابینو تا چه حد در کاربنه‌ای آمریکا جمع‌بندی شده یا تصمیم نهایی گرفته شده، مشخص نیست. ممکن است او در مصاحبه‌ای با تلویزیون اسرائیلی و به خبرنگارهای اسرائیلی چیزی بگوید. در مذاکرات، حتماً فشارهایی به ایران وارد خواهد شد تا موشک‌های خود را کاهش دهد و برد آن‌ها را کوتاه کند اما ایران جواب منفی خواهد داد. این کارشناس سیاست خارجی در خصوص نقش روسیه و چین در همراهی با ایران پس از فعال شدن مکتبیس‌ماشه عنوان کرد: هر کشوری به دنبال منافع خود است اما در رابطه با قطعنامه‌ای که روز جمعه به تصویب رسید، روسیه و چین اعلام کردند که این قطعنامه غیرقانونی است. آیا این اعلام در لفظ و زبان خواهد بود یا بالاخره هزینه‌ای را پرداخت خواهند کرد و با ایران همکاری خواهند کرد؟ یعنی وقتی اعلام می‌کنند که غیرقانونی است، آیا خودشان از این مصوبه شورای امنیت استفاده خواهند کرد یا خیر.

حضور رئیس‌جمهور در مجمع سازمان ملل

دیپلماسی حداکثری در نیویورک

رئیس‌جمهور ایران در حالی روزهای ابتدایی مهرماه در نشست‌های مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک حاضر خواهد شد که مجموع تحولات یک سال گذشته این حضور را بسیار مهم ساخته است. ایران از مهرماه ۱۴۰۳ تا مهر سال جاری یکی از پرچالش‌ترین دوران ۲۰ سال اخیر خود با آمریکا و اروپا رانگزرانده اما برآیند نتایج به دست آمده: تهران را با تمام آسیب‌هایی که متحمل شده، برنده این چالش‌ها نشان می‌دهد. سفر رئیس‌جمهور به نیویورک (با فرض پایبندی آمریکا به الزامات و قوانین بین‌الملل و صدور مجوزهای لازم) نیازمند هدف‌گذاری ملموس و درک اهمیت این نشست است تا از این رهگذر طرحی تازه برای عبور از ایستایی امروز انداخته شود. هشتادومین مجمع عمومی سازمان ملل متحد سه‌شنبه اول مهرماه (۲۳ سپتامبر) آغاز و دوشنبه ۷ مهر (۲۹ سپتامبر) به پایان خواهد رسید.

#### ◀ هشتادمین مجمع عمومی

جهان سال ۲۰۲۵ با آنچه در سال ۲۰۲۴ تجربه کرد از منظر تداوم دو جنگ که یکی از آن‌ها، مدت‌هاست به نسل‌کشی عیان تبدیل شده است، تفاوت چندانی نکرده است. مردم اوکراین و روسیه همچنان در اثر حملات کشته می‌شوند و مردم غزه در یک تراژدی انسانی با گلوله یا قحطی غذا به قتل می‌رسند. گرچه حضور «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در کاخ سفید یکی از تغییرات مهم در نظام تصمیم‌گیری بین‌الملل است اما این حضور به رغم تمام ادعاها و هیاهوهای پیش از پیروزی و پس از آن، از سوی ترامپ، نتوانست آتش هیجندام از این جنگ‌ها را خاموش کند. این میان موضوع مهم دیگر ایران و تمام رویدادها و مباحث مرتبط و متعلق به ایران است؛ از پرورنده و فعالیت‌های هسته‌ای و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت در اثر فعال‌سازی مکتبیس‌ما پس‌گشت تا پیمان‌ان تأسیسات هسته‌ای از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی، رئیس‌جمهور و هیات همراه وی در حالی هفته جاری راهی نیویورک خواهند شد که عصر جمعه ۲۸ شهریور شورای امنیت، پیش‌نویس قطعنامه کره جنوبی بعنوان رئیس دوره‌ای این شورا را درباره «تداوم لغو تحریم‌ها علیه ایران» برای جلوگیری از اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران تصویب نکرد و به این ترتیب و در صورت عدم وقوع اتفاق و تصمیمی تازه، تحریم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران باز خواهد گشت. شرایطی که حضور هیات ایرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد را مهم‌تر از هر زمان دیگری نشان می‌دهد.

#### ◀ هدف راهبردی در نیویورک

۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد هفته آینده با دستور کار و هدف مشخص در مجمع عمومی این سازمان گرد هم خواهند آمد و قاعدتاً قطعه‌دستور کار ویژه جمهوری اسلامی ایران هم حفظ منافع ملی بر مبنای واقعیات موجود خواهد بود. در حال حاضر سه کشور اروپایی حاضر در برجام، با سواستفاده از ابزار حل اختلاف در برجام، موسوم به اسنپ‌بک قطعنامه‌های شورای امنیت که پس از توافق برجام ملغی شده بود بازگردانده و تحریم‌ها علیه ایران را تشدید خواهند کرد. از سوی دیگر بی‌کفیمانی اقدامات رژیم اسرائیل در منطقه، ماجراجویی‌های بیشتر تل‌آویو را در پی داشته و این می‌تواند به عنوان یکی از دغدغه‌های ایران تلقی شود، موضوعی که به نظر می‌رسد پس از حمله اسرائیل به قطر، نه فقط برای تهران که برای پایتخت‌های کشورهای منطقه هم به دغدغه اصلی تبدیل شده است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد پزشکیان و تیم همراه او با یک هدف مشخص که متاثر از شرایط جهانی، منطقه‌ای و داخلی است در این نشست شرکت خواهند کرد؛ تغییر در سکون دیپلماتیک و بهره‌گیری از آنچه از دیپلماسی باقی مانده است. همزمان با پایان جنگ تحمیلی رژیم اسرائیل و آمریکا علیه ایران، سکونی دیپلماتیک در روند روابط میان ایران و غرب به وجود آمد. سکونی که واقعیات آن را به نفع ایران نشان نمی‌دهد به تعبیر رهبر معظم انقلاب «یکی از ضررها و خطراتی کشور هستیم، حالت «نه جنگ و نه صلح» است که خب خوب نیست، فضای خوبی نیست». برای شکستن این فضا، ایران بیش و بیش از میدان خوانی‌های شعاری نیازمند نگاه دقیق، واقع بیننی و آینده‌نگرانه به موضوع است. پاسخ کوتاه‌مدت، میان و بلندمدت به هر یک از پرسش‌های زیر در پاسخ است؛ رفتار ایران با بازگشت تحریم‌ها می‌تواند مختصات نحوه برخورد با این اقدام را مشخص کند. الف) پایان همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جز با خروج از NPT معنا نمی‌دهد و خروج از این پیمان به عنوان تعهد قانونی ایران به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شاید در کوتاه‌مدت پاسخی به اقدام اروپا باشد اما پرسش اصلی برای طرفداران خروج این است که «بعد چه خواهند کرد»، پلن بی یا پس‌اخراج از معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای چیست؟ ب) تداوم بن‌بست دیپلماتیک و بستن تمام درهای گفت‌وگو، چیزی جز انزوای ایران را در پی نخواهد داشت و این نسخه قهر با جهان پر از ظلم و بی‌انصافی، چیزی از آن ظلم را نخواهد کاست، بلکه فشار غیرقانونی بیشتری بر مردم ایران وارد خواهد کرد. این نسخه حتی برای کوتاه‌مدت هم نمی‌تواند به نفع کشور و مردم تعریف شود. ب) تلاش برای حفظ دیپلماسی کمرمق باقی‌مانده در نیویورک و تمرکز بر آنچه این روزها از آن به عنوان طرح ارائه شده از سوی ایران به آمریکا نام برده می‌شود. چنین ابتکاری حتی اگر نتکون و وجود نداشته از این پس باید روی میز دیپلمات‌های ایران قرار گیرد. موضوعی که «کالم غریب‌آبادی» معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر امور خارجه هم به آن اشاره و تصریح کرده است که تعامل و دیپلماسی هیچ وقت بسته نیست و ظرف چند روز آینده باز هم ادامه پیدا خواهد کرد. فرصت حضور رئیس‌جمهور در نیویورک می‌تواند با دیپلماسی هوشمندانه و حد‌انگیزی، سبب کاهش فشارهای بین‌المللی و ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی باشد.